

اسرائیل به عنوان یک دولت آپارتاید، نه یک دموکراسی

توصیف اسرائیل به عنوان یک دولت دموکراتیک برای مدت طولانی یکی از ارکان اصلی تصویر بین‌المللی آن بوده است، که ریشه در سیستم پارلمانی، انتخابات و چارچوب قانونی آن دارد. با این حال، بررسی دقیق‌تر سیاست‌های آن، به‌ویژه در قبال فلسطینی‌ها، ساختاری سیستماتیک از تبعیض و جداسازی را نشان می‌دهد که بیشتر با آپارتاید همخوانی دارد تا با اصول دموکراتیک. این مقاله استدلال می‌کند که اسرائیل به جای یک دموکراسی واقعی، به عنوان یک دولت آپارتاید عمل می‌کند، و این استدلال بر اساس شواهد تبعیض سیستماتیک، سرکوب مخالفان، و تفاوت‌های فاحش در حقوق بین اسرائیلی‌های یهودی و فلسطینی‌ها استوار است، همان‌طور که توسط سازمان‌های حقوق بشری، چارچوب‌های قانونی، و تحولات سیاسی اخیر برجسته شده است.

تبعیض سیستماتیک و آپارتاید

آپارتاید، همان‌طور که در کنوانسیون آپارتاید 1973 تعریف شده است، سیستمی از جداسازی و تبعیض نژادی نهادینه شده است که برای حفظ سلطه یک گروه نژادی بر گروه دیگر طراحی شده است. گزارش عفو بین‌الملل در سال 2024، آپارتاید اسرائیل علیه فلسطینی‌ها، مورد جامعی برای این برچسب ارائه می‌دهد و استدلال می‌کند که رفتار اسرائیل با فلسطینی‌ها —از طریق تبعیض، سلب مالکیت، و سرکوب— سیستمی را تشکیل می‌دهد که برای ترجیح دادن اسرائیلی‌های یهودی به هزینه فلسطینی‌ها طراحی شده است. این گزارش به سیاست‌هایی مانند مصادره زمین، تخریب خانه‌ها، و دسترسی محدود به منابعی مانند آب و برق اشاره می‌کند که به طور نامتناسب فلسطینی‌های ساکن در اسرائیل، کرانه باختری، و غزه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای مثال، در کرانه باختری، شهرک‌نشینان یهودی از حقوق کامل شهروندی برخوردارند، در حالی که فلسطینی‌ها تحت قانون نظامی زندگی می‌کنند و از آزادی‌های اساسی مانند جابجایی و مشارکت سیاسی محروم هستند. این سیستم قانونی دوگانه —قانون مدنی برای یهودیان و قانون نظامی برای فلسطینی‌ها— جداسازی نژادی آپارتاید آفریقای جنوبی را منعکس می‌کند، جایی که حقوق بر اساس نژاد تخصیص داده می‌شد.

علاوه بر این، قانون دولت-ملت 2018، که اسرائیل را به عنوان “دولت-ملت مردم یهود” اعلام می‌کند، به صراحت هویت یهودی را بر حقوق برابر برای همه شهروندان مقدم می‌دارد. این قانون زبان عربی را از وضعیت زبان رسمی تنزل می‌دهد و شهرک‌سازی یهودی را به عنوان یک ارزش ملی ترویج می‌کند، و به طور مؤثر 20 درصد از جمعیت اسرائیل که عرب هستند را به حاشیه می‌راند. چنین سیاست‌هایی اصل دموکراتیک برابری شهروندی را تضعیف می‌کنند، زیرا برتری یهودی را در قانون تثبیت می‌کنند، که نشانه‌ای از سیستم‌های آپارتاید است، جایی که حقوق یک گروه بر اساس قومیت یا نژاد بر گروه دیگر برتری دارد.

سرکوب مخالفان و نمایندگی سیاسی

یک دموکراسی کارآمد آزادی بیان و مشارکت سیاسی برابر را تضمین می‌کند، اما رفتار اسرائیل با شهروندان فلسطینی و نمایندگان آنها تناقضی آشکار را نشان می‌دهد. گزارش عفو بین‌الملل در سال 2022، منتخب اما محدود: کاهش فضای نمایندگان پارلمانی فلسطینی در کنست اسرائیل، مستند می‌کند که چگونه اعضای فلسطینی کنست (MKs) با مقررات تبعیض‌آمیزی مواجه هستند که توانایی آنها را برای نمایندگی از حوزه‌های انتخابیه خود محدود می‌کند. به عنوان مثال، لوائح پیشنهادی توسط MKهای فلسطینی که به حقوق جامعه آنها می‌پردازد، پیش از بحث رد صلاحیت شده‌اند، و قانون

اخراج 2016 به کنست اجازه می‌دهد تا MKها را به دلیل “تحریک به نژادپرستی” یا “حمایت از مبارزه مسلحانه” برکنار کند، ماده‌ای که اغلب برای هدف قرار دادن MKهای عرب استفاده می‌شود. مورد MK عفر کاسیف، که در سال 2024 به دلیل حمایت از پرونده نسل‌کشی آفریقای جنوبی علیه اسرائیل در دیوان بین‌المللی دادگستری با تلاش برای اخراج مواجه شد، نمونه‌ای از این سرکوب است. اگرچه تلاش برای اخراج ناموفق بود، کاسیف به مدت شش ماه تعلیق شد، اقدامی که منتقدان معتقدند از نظر سیاسی برای ساکت کردن مخالفان انگیزه‌دار بود.

تعلیق MKهای عرب به یک الگوی تکراری تبدیل شده است که به طور نامتناسب احزاب عربی مانند هدش-طال و رعم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در سال 2023، عایده توما-سلیمان و ایمان خطیب-یاسین به دلیل انتقاد از اقدامات نظامی اسرائیل در غزه به ترتیب برای دو ماه و یک ماه تعلیق شدند. موارد تاریخی، مانند تعلیق‌های متعدد حنین زعبی (به عنوان مثال، شش ماه در سال 2014 برای اظهارات حمایت از مقاومت فلسطینی)، این روند را بیشتر نشان می‌دهد. این اقدامات در تضاد کامل با عدم پاسخگویی MKهای یهودی است که در تحریک شرکت می‌کنند، مانند در جریان رژه پرچم اورشلیم در سال 2023، جایی که شرکت‌کنندگان شعار “مرگ بر اعراب” سر دادند بدون اینکه با پیامدهای مشابهی مواجه شوند. این استاندارد دوگانه—مجازات MKهای عرب به دلیل سخنانشان در حالی که تحریکات ناسیونالیست‌های یهودی تحمل می‌شود—اصل دموکراتیک برابری در برابر قانون را تضعیف می‌کند و سیستمی را نشان می‌دهد که برای سرکوب صدای اقلیت‌ها طراحی شده است، که نشانه آپارتاید است، نه دموکراسی.

تفاوت‌ها در حقوق و شرایط زندگی

تجربه‌های زیسته فلسطینی‌ها تحت کنترل اسرائیل ادعای دموکراسی را بیشتر تضعیف می‌کند. در غزه، همان‌طور که پست UNRWA در 25 مه 2025 برجسته کرد، محاصره و عملیات‌های نظامی مکرر بحران انسانی ایجاد کرده است، و سازمان ملل خواستار 500 تا 600 کامیون کمک روزانه برای جلوگیری از فاجعه بیشتر شده است. گزارش کمیسیون سازمان ملل درباره امکانات بهداشتی غزه حملات به زیرساخت‌های پزشکی، به‌ویژه مراقبت‌های کودکان و نوزادان را به عنوان نقض حقوق زندگی و سلامت مستند می‌کند، که ممکن است به جنایات علیه بشریت منجر شود. این شرایط، همراه با تخریب عمدی مراقبت‌های بهداشتی باروری، به طور نامتناسب فلسطینی‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تضاد آشکاری با حقوق و خدماتی که برای اسرائیلی‌های یهودی در دسترس است ایجاد می‌کند.

در داخل اسرائیل، شهروندان فلسطینی با تبعیض سیستماتیک در مسکن، آموزش، و اشتغال مواجه هستند. عمل تخریب خانه‌ها، همان‌طور که عفو بین‌الملل اشاره کرده است، مکانیسم کلیدی جابجایی است، با خانواده‌های فلسطینی که از مجوزهای ساختمانی محروم می‌شوند در حالی که شهرک‌های یهودی گسترش می‌یابد. در اورشلیم شرقی، فلسطینی‌ها اغلب از حقوق اقامت محروم می‌شوند، در حالی که شهرک‌نشینان یهودی از رفتار ترجیحی برخوردارند. این تفاوت‌ها تصادفی نیستند، بلکه در چارچوب قانونی و سیاسی که سلطه یهودی را در اولویت قرار می‌دهد، جاسازی شده‌اند و هدف آپارتاید را برای حفظ کنترل نژادی از طریق جداسازی و نابرابری منعکس می‌کنند.

استدلال‌های مخالف و رد آنها

حامیان وضعیت دموکراتیک اسرائیل اغلب به انتخابات، قوه قضاییه مستقل، و حضور MKهای عرب در کنست به عنوان شواهد دموکراسی اشاره می‌کنند. با این حال، این عناصر با نابرابری‌های سیستماتیک و سرکوب‌های شرح داده شده در بالا تضعیف می‌شوند. انتخابات، اگرچه به طور منظم برگزار می‌شوند، زمانی که MKهای عرب با محدودیت‌هایی مواجه هستند و جوامع آنها به حاشیه رانده شده‌اند، به قدرت سیاسی برابر تبدیل نمی‌شوند. قوه قضاییه، با وجود احکام گاه به گاه به نفع

حقوق فلسطینی‌ها، قوانینی مانند قانون دولت-ملت و قانون اخراج را تأیید کرده است که برتری یهودی را تثبیت می‌کنند. علاوه بر این، حضور MKهای عرب زمانی که به طور مداوم به دلیل دیدگاه‌های سیاسی خود هدف قرار می‌گیرند، به نمایندگی معنادار برابر نیست، همان‌طور که در تعلیق‌ها و تلاش‌های اخراج دیده می‌شود.

استدلال دیگر این است که اقدامات اسرائیل پاسخ به تهدیدات امنیتی، مانند تروریسم فلسطینی، است. اگرچه نگرانی‌های امنیتی واقعی هستند، اما تبعیض گسترده و مجازات جمعی تحمیل شده بر فلسطینی‌ها را توجیه نمی‌کنند. محاصره غزه، اشغال نظامی کرانه باختری، و سرکوب مخالفان در داخل اسرائیل فراتر از اقدامات امنیتی هدفمند است و سیستمی از کنترل را ایجاد می‌کند که یک گروه را بر اساس قومیت بر دیگری ترجیح می‌دهد—ویژگی تعیین‌کننده آپارتاید، نه پاسخ دموکراتیک به تهدیدات.

نتیجه‌گیری

سیاست‌ها و عملکردهای اسرائیل—تبعیض سیستماتیک، سرکوب مخالفان، و تفاوت‌های فاحش در حقوق—بیشتر با آپارتاید همخوانی دارند تا دموکراسی. چارچوب قانونی، همان‌طور که در قانون دولت-ملت و قانون اخراج دیده می‌شود، هویت یهودی را بر برابری شهروندی مقدم می‌دارد، در حالی که رفتار با MKهای فلسطینی و شهروندان الگویی از طرد و سرکوب را نشان می‌دهد. واقعیت زیسته فلسطینی‌ها، چه در غزه، کرانه باختری، یا داخل اسرائیل، جداسازی و محرومیت است، که در تضاد شدید با حقوقی است که به اسرائیلی‌های یهودی اعطا شده است. این عناصر، که توسط سازمان‌های حقوق بشری مستند شده و با رویدادهای اخیر پشتیبانی می‌شوند، روایت اسرائیل به عنوان یک دموکراسی را به چالش می‌کشند و در عوض تصویری از یک دولت آپارتاید را ترسیم می‌کنند، جایی که نابرابری سیستماتیک و سلطه نظم سیاسی و اجتماعی را تعریف می‌کند. دموکراسی واقعی نیازمند برابری، آزادی، و عدالت برای همه است، اصولی که سیستم کنونی اسرائیل برای فلسطینی‌ها در حفظ آنها ناکام مانده است.